

گفت‌وگوی «جوان» با حسن بنیانیان درباره بازسازی در ساختارهای فرهنگی

وزارت ارشاد نباید صرفاً هنرمندمحور عمل کند



دکتر حسن بنیانیان، مشاور و دستیار امور فرهنگی رئیس دانشگاه آزاد اسلامی است که به واسطه مسئولیت‌های مختلفی که در سازمان برنامه و بودجه، وزارت آموزش و پرورش، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی، تبلیغات اسلامی، شورای عالی انقلاب فرهنگی، مرکز ملی جوانان و کمیته فرهنگ و تمدن اسلامی داشته است، درباره مدیریت فرهنگ دارای تجارب زیادی است. بخش سوم و پایانی گفت‌وگوی «جوان» با وی را درباره لزوم بازسازی ساختارهای فرهنگی مورد تأکید رهبر انقلاب می‌خوانید. ■■■

شما معتقدید که مساجد می‌توانند تنوع مکان فرهنگی را جمع‌کنند و نیاز فرهنگی اقشار مختلف جامعه را پاسخگو باشند؟

بله! در جامعه دینی می‌توانند. بیش از ۴۰سال است که این تفکیک فضای فرهنگی و هنری صورت گرفته است و وارد فاز گستردگی تنوع مکانی شده‌ایم. از سویی نیاز اقشار جامعه متفاوت شده است. با این شرایط چگونه می‌توان برگشت داشت و تنوع فرهنگی را خود معضل دانست. حتماً با این نگرش، مخالفت خواهد شد. اولین مقاومت هم به خاطر هزینه‌هایی است که در این بخش صورت گرفته است. این مقاومت وجود دارد. جای این جنس بحث‌ها در شورای عالی انقلاب فرهنگی است و این کارها رسالت وزارت فرهنگ و ارشاد است، اما این وزارتخانه از گذشته دور سعی کرده از این مسئولیت‌ها فرار کند. دلایل متعددی هم دارد، از جمله اینکه کار فرهنگی فی‌نفسه سخت است. استنادارن و فرمانداران به فرهنگ بی‌توجه هستند، نتایج آن بلندمدت ظاهر می‌شود. زحمت وزارت ارشاد دیده نمی‌شود، چون کار نرم‌افزاری است. در خیلی از موارد مدیرکل‌ها با ملاحظات سیاسی انتخاب می‌شوند. به نظر فرهنگی نیاز داشت، از ایشان دعوت شود. باید مدیر کل ارشاد باید فریخته‌های باشد تا در هر محفلی که به نظر فرهنگی نیاز داشت، از ایشان دعوت شود. باید شخصیت فرهنگی محترم و محل رجوعی داشته باشد، در حالی که نقش این مدیران به قدری کم‌رنگ شده که اصلاً از ارشاد دعوت نمی‌کنند و نظر خواهی نمی‌شود. پیوسته فرهنگ بی‌توان است، اگر همین را فقط پیگیری می‌کردند به نتیجه می‌رسیدند، ولی اهمیت آن را درک نکردند و ندانستند برای وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی آبرو می‌آورد.

وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در این سال‌ها چندر به وظایف و رسالت فرهنگی خود عمل کرده است؟

بسیار کم، البته این مقداری به تن‌آسایی آدم‌ها برمی‌گردد که توسعه‌طلب هستند یا منزوی. این مسائل نرم‌افزاری است و شخصیت افراد در مدیریت و تبیین وظایف تأثیر دارد. کسی برای وزیر یا مدیر کل ارشاد فضا باز نمی‌کند، بلکه آنها هستند که در ملاقات با رئیس‌جمهور یا استاندار برای خود جایگاه تعریف می‌کنند تا فرصت مباحثه با دیگر وزرا را در صحن دولت برای تبیین کارکرد فرهنگی داشته باشد. برای نشان دادن اهمیت این موضوع به نتیجه تحقیقی اشاره می‌کنم که انجام داده‌ام. حدود ۷۲ درصد از مراجعه‌کنندگان برای پرداخت مالیات، اینکه نمی‌توانند دروغ بگویند ناراحت هستند. فرض‌شان بر این است که اگر مهارت دروغ‌گویی داشتند می‌توانستند مالیات ندهند. حدود ۴۵ درصد نیز از اینکه اسعیدار رشوه را بلد نیستند، ناراحت هستند. معنی این‌ها آن است که وزارت اقتصاد با روپه و نگاهی که دارد مردم را قاسد می‌کند و از آنها مالیات می‌گیرد تا به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی بدهد تا مردم را اصلاح کند. عقل حکم می‌کند وقتی چنین نگرشی ایجاد شده از وزارت فرهنگ دعوت کنند تا راه‌حل پیدا کند. اما آیا زمانی که وزارت اقتصاد سراغ وزارت ارشاد رفت، این وزارت‌خانه گروه آماده‌ای برای تحقیق و بررسی درباره معضل به وجود آمده دارد؟ ندارد! چون از ابتدا به این مسائل وارد نشده است. مدیرکل ارشاد با تنگ‌نظری از ابتدا مشخص کرد که سازمان تبلیغات به امور دینی و مذهبی بپردازد و وزارت ارشاد هم به مقوله فرهنگ و هنر برسد. همه وقت این وزارت‌خانه صرف جلسه با هنرمندان شده است که این جلسات هم مدام به اعتراض و نداشتن بودجه و اعتبارات می‌گذرد. اگر دید کلائی داشته باشند که برای هنرمند کار موثر تولید کنند، مثلاً فیلمی بسازند

که به‌ره‌وری آب را چند درصد زیاد کند، این کار چند برابر آن بودجه و اعتباری که قرار است به هنرمند داده شود، زندگی او را آباد می‌کند. وزارت فرهنگ و ارشاد باید زاد تولید کند. امروز همه نگران منلاشی شدن بنیان خانواده هستند که باید کار فرهنگی انجام داد. اگر در نقطه اول، ترمیم کنیم قضیه حل می‌شود، اما اگر آن را رها کنیم، به معضلات دیگر می‌رسیم. برای حل این معضلات باید مرکزی را برای رسیدگی به بهداشتت روان خانواده‌ها ایجاد کرد، مثل پزشک‌های عمومی. مثل همان نظریه که کنار هر مسجد و مدرسه، مشاور خانواده باید ایجاد شود، جنس اختلافات فرهنگی هر محل را هم باید در اختیار این مشاوران قرار داد و بعد کلاس‌های آموزشی هنری و فرهنگی برای ترمیم بخشی از این مشکلات در مسجد و مدرسه راه‌اندازی کرد. باید به مشکلاتی که ماهواره و شبکه‌های اجتماعی در خانواده‌ها به وجود آورده است توسط همین محافل رسیدگی کرد و برای آن درمان پیدا کرد. اگر چنین نگاهی بر فرهنگ حاکم شود، کالا مکان و مدیریت فرهنگی مسیر خود را پیدا می‌کند.

درباره مدارس صحبت کردید. در دوره‌ای رئیس سازمان نوسازی مدارس بودید. آن زمان هم چنین دیدگاهی نسبت به فضاها و کارکرد فرهنگ داشتید؟

این دوران جزو رضایت‌مندی‌هایم است. آن زمان به عنوان مهندسین که رویکرد فرهنگی داشت، این سازمان را تحویل گرفتم و برخلاف دیگران که رویکرد عمرانی داشتند، وقتی ساختمانی را تحویل می‌گرفتم به کارکردهای مدارس در حوزه تعلیم و تربیت هم توجه می‌کردم. مثلاً هنگام تدریس به کلاس‌ها می‌رفتم و بررسی می‌کردم که معلم‌ها چگونه از نظر روانی خود را در کلاس‌ها تقویت می‌کنند. در بیش از ۶۰درصد مدارس، معلمان وقتی از پنجره کلاس به بیرون نگاه می‌کردند، ۱۰ چشمه تالوت می‌دیدند. احساس‌م این بود که چنین فردی با دانش‌آموزان چه برخوردی خواهد داشت یا مدارس سه طبقه می‌ساختیم ولی سرویس‌های بهداشتی آن در حیاط مدرسه بود که برای دانش‌آموزان معضلات جسمی به‌وجود می‌آورد. با یک پزشک مشورت کردم. گفت کلیه‌های دانش‌آموزان



در حوزه فرهنگ امیدواری زیادی نداریم مگر اینکه روحیه اصولگراییی به مفهوم غیر سیاسی، آرام آرام بیداری ایجاد کند و وزیر فرهنگ و ارشاد درستی هم ببیند شود و حرف‌های ما را هم متوجه شود و اتاق فکری تشکیل دهد تا از این‌انزوا خارج شویم. وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی جزو وزارت‌تخانه‌های منزوی است. تنوع موضوعی و کاری زیادی دارد، ولی اثربخشی کمی دارد

به خاطر این زیرساخت ضعیف آسیب خواهد دید. تلاش می‌کردم تا مدیران مدارس را متقاعد کنم در سرویس‌های بهداشتی طبقه سوم را برای استفاده دانش‌آموزان باز بگذارند. با اینکه محل گردهمایی مدیر و معلمان مدرسه ققدر در روحیه معلمان تأثیر گذار بود. در مدرسی که این محل تفکیک شده بود، معلم‌ها روحیه بهتری داشتند. یادم است از یکی از پیمانکارها خواستم در دفتر معلم‌ها حوض آب کوچکی ایجاد کند. این کارها خیلی در روحیه معلم‌ها و سیستم آموزش تأثیر داشت.

این طرح‌ها در کدام جغرافیای کشور اجرا می‌شد، تهران؟

در کل کشور اجرا می‌شد، ولی در تهران ایده‌ها را آزمایشی تجربه می‌کردم چون می‌خواستم آزمایش کنم که اگر نتیجه موفق باشد، در مدارس دیگر اجرا شود. در موارد موفق، مدیران دیگر مدارس به خاطر تحولاتی که در اندامان کاری و روحیه معلم‌ها ایجاد شده بود، حاضر بودند هزینه اجرای آن ایده‌ها را بپردازند. سال ۱۳۵۵ وقتی مهندس ناظر بودم از یک مدرسه بازدید کردم. در اتاق مدیر بودم که رنگ تفریح شد. معلم‌ها در دفتر دانش‌آموزان و روحیه معلمان درس بدهند. با یک روانشناس صحبت کردم. گفت معمولاً واکنش این است که با یکی از شاگردها برخورد را او را تنبیه کنند. برای همین معتقدم در هر جایگاهی باید دوره آموزش فرهنگی برگزار شود. در همان دوران متوجه شدم بیشتر مدارس باغچه ندارند. یک مسابقه نقاشی برگزار کردیم تا دانش‌آموزان مدارس خود را به تصویر بکشند. هدف این بود که به آنچه در مدارس خود ندارند، در این نقاشی‌ها اشاره شود. متوجه شدم در نقاشی دانش‌آموزان مدارس شمال کشور فقط وسیله ورزشی و در مدارس شهرهای مرکزی مثل یزد، گل و گیاه کشیده شده است. نقاشی‌ها را تحلیل کردیم. آن زمان آقای مهندس زرگر معاون وزارت کشور بود. از ایشان خواستیم که با شهرداری‌ها هماهنگ کند تا از ذخیره گل و گیاه خود برای ایجاد باغچه در مدارس استفاده شود. از طرح خیلی استقبال شد، چون ریشه تحقیقی داشت. یک بخشنامه خوبی هم نوشته شد و آن سال اول مهر در بیشتر مدارس کشور گل و گیاه کاشته شد. ما هم خوشحال از اینکه توانستیم فضای مدرسه را شاد کنیم. بعد از مدتی متوجه شدم در برخی مدارس از درخت‌ها دیگر خبری نیست. از یکی از مدیران مدرسه سوال کردم که گفتند چون کار خراب‌دار زیاد شده است، درخت‌ها را خشک می‌کنند. آن زمان از وزیر درخواست کردم در مدرسی که فضای سبز دارند، ۵ درصد به حقوق کارمندان اضافه شود تا از گل و گیاه به درستی نگهداری شود.

این طرح فقط در تهران اجرا شد؟

در تمام استان‌ها در چند مدرسه طرح را اجرا کردیم تا بازخورد‌ها را دریافت کنیم. بعضی از آن مدارس هنوز



یک روز در جنوب تهران قرار بود از مدرسه‌ای بازدید کنیم که کمی زود رسیدیم. دیدم بچه‌ها در کوچه مشغول فوت‌بال هستند و یکی از اهالی هم به آنها ناسزا می‌گفت. به عنوان رئیس سازمان نوسازی مدارس از دیدن این صحنه خیلی ناراحت شدم. بچه‌ها دوست دارند بازی کنند. چرا مدرسه‌ها برای بازی فضا ندارند؟ در این فکر‌ها بودم که ۱۰۰متر جلوتر مدرسه‌ای دیدم که سه زمین والیبال و دو زمین بسکتبال داشت و در حال آفتاب خوردن بود و بچه‌های مردم هم در کوچه مشغول بازی بودند. معضل فرهنگی یعنی این

هم موجود است، در طبقه دوم سالن ساختند که دری مجزا داشت. در آن مدارس هنوز این طرح اجرا می‌شود، مثلاً از آن سالن برای عروسی استفاده می‌شد و یک سوم سالن‌های معمولی هم هزینه می‌گرفتند. پول نفت اجازه نمی‌دهد به ایده‌های دیگر فکر کنیم. در مدارس سالن‌هایی ساخته می‌شود که فقط هنگام امتحانات مورد استفاده قرار می‌گیرد. از آن طرف، در گزارش‌های می‌خوانید علت ازدواج نکردن بسیاری از جوانان نداشتن هزینه برگزاری مراسم عروسی است. درحالی که سالن‌های خالی همینطور بدون استفاده مانده است. یک روز در جنوب تهران قرار بود از مدرسه‌ای بازدید کنیم که کمی زود رسیدم. دیدم بچه‌ها در کوچه مشغول فوت‌بال هستند و یکی از اهالی هم به آنها ناسزا می‌گفت. به عنوان رئیس سازمان نوسازی مدارس از این صحنه خیلی ناراحت شدم. بچه‌ها دوست دارند بازی کنند. چرا مدرسه‌ها برای بازی فضا ندارند؟ در این فکر‌ها بودم که ۱۰۰متر جلوتر مدرسه‌ای دیدم که سه زمین والیبال و دو زمین بسکتبال داشت و درحال آفتاب خوردن بود و بچه‌های مردم هم در کوچه مشغول بازی بودند. معضل فرهنگی یعنی این. اگر مدیر مدرسه آموزش دیده بود، عقلش می‌رسید و در مدرسه را باز می‌کرد تا بچه‌ها از این فضا استفاده کنند، حق‌الزحمه‌ای هم به سرپایدار می‌داد. این مسائل را مدام با مدیران آموزش و پرورش مطرح می‌کردم که ما قبل از اینکه مشکل فضا داشته باشیم، مشکل بیداریم. این مشکل همچنان در کشور وجود دارد. در چند مدرسه، مسجد پیوسته به آن ساختیم، می‌خواستیم ببینیم این ایده پاسخگو است؟ متأسفانه بعد از مأموریت من، مدیر دیگری در سازمان نوسازی مدارس منصوب شد که دیدگاه صرفاً مهندسی داشت. وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی رسالت دارد قبل از آنکه خود را مسئول فرهنگ

عامه مردم ببیند، مسئول فرهنگ مدیران جامعه ببیند. اگر تجربیات مدیران را جمع‌آوری می‌کرد، به مدیر جدید انتقال می‌داد و این ایده‌ها امتداد پیدا می‌کرد. اینها را جزو رسالت وزارت ارشاد می‌بینم. اصولاً یکی از رسالت‌های این وزارت‌تخانه آن است که برای رئیس‌جمهور توضیح منطقی قابل توجه ارائه دهند، چون مسئول پیوسته فرهنگی بودم به این مسائل توجه دارم. به نظرم، رئیس‌جمهور با وجود ۴۰سال کار حقوقی، چون به اندازه کافی نسبت به مسائل فرهنگی آگاهی ندارد، حتماً در جایی خود را نشان خواهد داد. همین وضع در استان‌ها هم برقرار است. یعنی استاندار اقتصاد خوانده و به مسائل فرهنگی بی‌توجه است. وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی می‌تواند با تهیه فیلم طنز حتی با چاشنی نقد، مدیران را آگاه کند.

با توجه به این دیدگاه، چه آینده‌های برای فرهنگ و توسعه فضا‌های فرهنگی پیش‌بینی می‌کنید؟
سرعت تغییر و تحول، پیش‌بینی آینده را سخت کرده است. به میزانی که تعامل مان با دنیا بیشتر می‌شود، چون آمادگی نداریم، آسیب‌پذیری مان هم بیشتر می‌شود. به واسطه عوامل متعدد از کنار فرهنگ رد می‌شویم. در حوزه فرهنگ امیدواری زیادی نداریم مگر اینکه روحیه اصولگرایی به مفهوم غیرسیاسی، آرام آرام بیداری ایجاد کند و وزیر فرهنگ و ارشاد درستی هم مستقر شود و حرف‌های ما را هم متوجه شود و اتاق فکری تشکیل دهد تا از این انزوا خارج شویم. وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی جزو وزارت‌تخانه‌های منزوی است. تنوع موضوعی و کاری زیادی دارد، ولی اثربخشی کمی دارد. فرض کنید وزیر ارشاد خوش‌فکری انتخاب شود و به مدیر کل ارشاد استان‌ها دستور دهد که با استاندار تفاهم کنند و به ۱۰ درصد مدارس هم که کارکرد بهتری دارند، جایزه دهند. با این‌کار یکمتر به یک میلیون معلم رویکرد تربیتی فرهنگی پیدا می‌کنند، در این صورت دیگر دغدغه ایجاد تئاتر با ۲۵ نفر تماشاچی را نخواهیم داشت. ما ۱۱۰هزار مدرسه داریم که اگر برای توجه به فرهنگ بین این مدارس رقابت ایجاد شود، هم به اثر گذاری مثبت بر خانواده‌ها و کارکرد فضای مدرسه توجه شده است، ما مدارس به کانون فرهنگی محله تبدیل می‌شوند و امواجی از تأثیرات مثبت ایجاد می‌شود و الگوی سایر مدارس هم می‌شوند. این دیدگاه‌ها در وزارت فرهنگ و ارشاد است کم و امیدواریم ایجاد شود.

گفت‌وگو ۲

در گفت‌وگوی «جوان» با نویسنده ادبیات کودک مطرح شد

کتاب کودک نباید از پویانمایی عقب بماند

■ محمد صادقی

رقابت نابرابر دنیای تصاویر متحرک با کتاب باعث شده کودک‌کان بیشتر از آنکه با کتاب و شنیدن قصه مانوس شوند با تماشای پویانمایی‌های تلویزیونی و سینمایی اوقات خود را سپری کنند. عقب افتادن ادبیات از پویانمایی، اگرچه تا حدی با استفاده از ادبیات اقتباسی قابل چشم‌پوشی است، اما دور شدن کودکان از کتاب تبعات فرهنگی برای نسل آینده به همراه خواهد داشت.

لاله جعفری، نویسنده کتاب کودک که

به تازگی کتاب «گرچه نکن، آقای گاو!» به قلم‌وی از سوی نشر مهرک به چاپ رسیده است، در گفت‌وگو با «جوان» به اهمیت داستان‌گویی برای کودکان و لزوم تقویت جایگاه کتاب در مقابل انیمیشن گفته است.

■■■

ابتدا کمی درباره مجموعه جدید «گرچه نکن، آقای گاو!» بگویید.
این مجموعه داستان برای خردسالان نوشته شده و هر داستان آن مستقل از داستان دیگری است و شخصیت‌ها با هم فرق می‌کنند. وجه مشترک داستان‌ها تنها از نظر ساختار است که همگی از ساختار داستان خردسال تبعیت می‌کنند؛ حجم کم، دایره واژگان محدود و جمله‌های کوتاه.



کتاب‌های پویانمایی در ایران به شکل غیرمستقیم مسأله اخلاقی آموزش داده می‌شود؛ مهربانی، دوستی، کمک به دیگران و... در این محتوا سعی بر این است که کودک انواع عواطف خود را مدیریت کند، با یاد گرفتن این مهارت‌های اجتماعی کم‌کم می‌تواند در آینده گروه‌های همسالان را مدیریت کند. ارتباط بهتری با اطرافیان بگیرد و صلح‌حان آمیزی در قلب و وجودش پرورش پیدا می‌کند.

نکته‌ای گفتید درباره نوشتن از دیدنایی که کودک آن را تجربه می‌کند و این تجربه از طریق تماشای انیمیشن هم اتفاق می‌افتد. امروز در دنیای هستیم که انواع و اقسام انیمیشن‌ها با شگفتی‌های فراوان در دسترس بچه‌هاست. آتقدر خوش آب و رنگ که ممکن است جذابیت کتاب را برایشان کم کند. نویسنده‌های این قشر به این نکته توجه می‌کنند؟

بله از دغدغه‌های ما نویسنده‌هاست. ما باید به عنوان نویسنده شناخت خوب و کاملی از ابزارها و محتوایی داشته باشیم که با بچه‌هاست. اگر از انیمیشن‌های روز، بازی‌ها و... مطلع نباشیم با محتوایی که برای کودک تولید می‌شود، نمی‌توانیم اثری تولید کنیم که با گام جلوتر و برای بچه‌ها جذاب باشد. نکته مهم هم تبلیغات در رسانه است که در برای جداسازی ادبیات خردسال از کودک که در دسترس او نیست، حواس‌تاریک کردن و استفاده از تصاویر جذاب است. مدیر جلسات مدیر جلسات خانم شکوه قاسم‌نیا بودند. از آن زمان شروع کردیم به نوشتن ویژه گروه خردسال تا به تدریج به یک مانیفست مشترک که جهت تولید کتاب ویژه خردسال رسیدیم. چراکه استانداردها برای کودک و خردسال در هم و نیسان بود؛ دقت و ظرافت بیشتری برای خردسالان داستان نوشته شود. از آن زمان به بعد جریان خردسال‌نویسی شروع شد و حالا تعداد محصولات ویژه این گروه اصلاً کم نیست و والدین باید اطلاعات بیشتری کسب کنند.

پیشنهاد شما برای شناخته شدن این آثار چیست؟

رسانه‌ها تبلیغات بیشتری در این زمینه داشته باشند تا محصولات بهتر معرفی شوند و مخاطب خودش را پیدا کند. همین‌طور خود ناشرها باید تلاش بیشتری کنند برای معرفی این محصولات و تفکیک آثار کودک خردسال. نهادهایی مانند شورای کتاب کودک، لاک‌پشت آینده، فیرست کانون پرورشی کودک و نوجوان و... لیست کتاب‌های خوب برای خردسالان را معرفی می‌کنند و والدین می‌توانند با یک جست‌وجوی ساده با لیست این کتاب‌ها آشنا شوند.

از استانداردهای کتاب خردسال گفتید. جز کوتاه بودن قصه، جمله و دایره لغات محدود، چه ویژگی‌های

کتاب خردسال را مشخص می‌کند؟

کتاب خردسال باید به گونه‌ای نوشته شود که برای کودک جذاب باشد. در این محتوا سعی بر این است که کودک انواع عواطف خود را مدیریت کند، با یاد گرفتن این مهارت‌های اجتماعی کم‌کم می‌تواند در آینده گروه‌های همسالان را مدیریت کند. ارتباط بهتری با اطرافیان بگیرد و صلح‌حان آمیزی در قلب و وجودش پرورش پیدا می‌کند.

نکته‌ای گفتید درباره نوشتن از دیدنایی که کودک آن را تجربه می‌کند و این تجربه از طریق تماشای انیمیشن هم اتفاق می‌افتد. امروز در دنیای هستیم که انواع و اقسام انیمیشن‌ها با شگفتی‌های فراوان در دسترس بچه‌هاست. آتقدر خوش آب و رنگ که ممکن است جذابیت کتاب را برایشان کم کند. نویسنده‌های این قشر به این نکته توجه می‌کنند؟

بله از دغدغه‌های ما نویسنده‌هاست. ما باید به عنوان نویسنده شناخت خوب و کاملی از ابزارها و محتوایی داشته باشیم که با بچه‌هاست. اگر از انیمیشن‌های روز، بازی‌ها و... مطلع نباشیم با محتوایی که برای کودک تولید می‌شود، نمی‌توانیم اثری تولید کنیم که با گام جلوتر و برای بچه‌ها جذاب باشد. نکته مهم هم تبلیغات در رسانه است که در دسترس او نیست، حواس‌تاریک کردن و استفاده از تصاویر جذاب است. مدیر جلسات مدیر جلسات خانم شکوه قاسم‌نیا بودند. از آن زمان شروع کردیم به نوشتن ویژه گروه خردسال تا به تدریج به یک مانیفست مشترک که جهت تولید کتاب ویژه خردسال رسیدیم. چراکه استانداردها برای کودک و خردسال در هم و نیسان بود؛ دقت و ظرافت بیشتری برای خردسالان داستان نوشته شود. از آن زمان به بعد جریان خردسال‌نویسی شروع شد و حالا تعداد محصولات ویژه این گروه اصلاً کم نیست و والدین می‌توانند با یک جست‌وجوی ساده با لیست این کتاب‌ها آشنا شوند.